



## نظریه یادگیری و ارتباط‌گرایی در آموزش زبان خارجی با تأکید بر کاربرد نقوش هندسی در جلوه‌های بصری نرم‌افزارهای آموزشی

آیدین مختاری نژاد<sup>۱</sup>، آرمین فاضل زاد<sup>۲</sup>، الهام رحمانی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> گروه آموزش زبان آلمانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، aidin23nejad@gmail.com

<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) گروه آموزش زبان آلمانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران، arm.fazelzad@iauctb.ac.ir

<sup>۳</sup> گروه آموزش زبان آلمانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، e\_rahmani1350@hotmail.com

### چکیده

کاربرد نرم‌افزارهای آموزشی امروز یکی از راه‌های مهم ارائه مطالب آموزشی است. بررسی یادگیری و ارتباط‌گرایی در آموزش زبان‌های خارجی مسئله‌ای است که این پژوهش دنبال می‌کند. در این مقاله سعی بر آن است که به بررسی و تحلیل نظریه ارتباط‌گرایی به‌عنوان یک نظریه یادگیری پرداخته شود که در چند سال اخیر مورد استقبال پژوهشگران قرار گرفته است. تلاش می‌شود راه‌کارهای متناسب در چارچوب آن جهت نحوه برگزاری کلاس آموزش زبان به اساتید و معلمان آموزش زبان ارائه گردد. به‌طور یقین، دیگر در عصر دیجیتال پیاده‌سازی اصول و قواعد نظریه‌های یادگیری پیشین جهت برگزاری کلاس آموزش زبان کافی نبوده و با پیشرفت تکنولوژی شرایط آموزشی زبان نیز باید در مسیر تغییر، پیشرفت و بروزرسانی قرار گیرد. این پژوهش با استفاده از روش‌های توصیفی-تحلیلی به جمع‌آوری اطلاعات و نیز تحلیل آن پرداخته تا در نهایت به ارائه راه‌کارهای مناسبی در زمینه آموزش زبان خارجی منجر گردد. همچنین سعی بر آن است ابتدا به بررسی این نظریه پرداخته و نقش استاد و زبان‌آموز برشمرده شود و سپس راه‌کارهای جدید طبق اصول و قواعد نظریه ارتباط‌گرایی ارائه گردد تا آموزش زبان خارجی نیز از قافله پیشرفت روزافزون و فراگیر عقب نماند. به‌نظر می‌رسد در راستای برگزاری موفق‌تر کلاس آموزش زبان خارجی بتوان راه‌کارهایی مبتنی بر نظریه ارتباط‌گرایی ارائه داد تا حوزه آموزش نیز همگام با پیشرفت دانش و تکنولوژی پیش رود. کاربرد نرم‌افزارهای آموزشی که دارای جلوه‌های بصری هستند نیز در کیفیت آموزش زبان‌های خارجی نقش مهمی دارد.

### اهداف پژوهش:

۱. ارائه راه‌کارهای مناسب در زمینه آموزش زبان خارجی براساس نظریه به روز ارتباط‌گرایی.
۲. بررسی نقوش هندسی در جلوه‌های بصری نرم‌افزارهای آموزشی.

### سوالات پژوهش:

۱. چگونه می‌توان زمینه استفاده از نظریه ارتباط‌گرایی را در کلاس آموزش زبان خارجی فراهم کرد؟
۲. کاربرد نقوش هندسی در جلوه‌های بصری نرم‌افزارهای آموزشی چه اهمیتی دارد؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۱

دوره ۲۰

صفحه ۵۷۸ الی ۵۹۳

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲

تاریخ داوری: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

### کلمات کلیدی

ارتباط‌گرایی، آموزش، یادگیری زبان خارجی، نظریه‌های یادگیری، دانش ارتباطی.

### ارجاع به این مقاله

مختاری نژاد، آیدین، فاضل زاد، آرمین، رحمانی، الهام. (۱۴۰۲). نظریه یادگیری و ارتباط‌گرایی در آموزش زبان خارجی با تأکید بر کاربرد نقوش هندسی در جلوه‌های بصری نرم‌افزارهای آموزشی. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۱)، ۵۷۸-۵۹۳.



dorl.net/dor/20.1001.1.\*  
\*\*\*\*\* \*\* \*\* \*/



dx.doi.org/10.22034/IAS  
.2023.384191.2160

## مقدمه

در چند دهه اخیر شاهد رخدادهای مهمی در زمینه دانش و فناوری بوده‌ایم که چنین رخدادهایی، حوزه آموزش، یادگیری و تعلیم و تربیت را با چالش‌ها و مطالبات جدیدی روبه‌رو ساخته است. در پاسخ به این مطالبات و شرایط جدید، الگوها و نظریه‌های گوناگونی توسعه یافته‌اند که یکی از آن‌ها نظریه یادگیری ارتباط‌گرایی<sup>۱</sup> است. یکی از این زمینه‌هایی که تحت تأثیر پیشرفت تکنولوژی و فناوری بوده است، حوزه آموزش زبان خارجی است. در طول تاریخ نظریه‌های متعددی از جمله رفتارگرایی<sup>۲</sup>، شناخت‌گرایی<sup>۳</sup> و ساختارگرایی<sup>۴</sup> همواره به‌عنوان نظریه‌های قالب در راستای یادگیری زبان خارجی مطرح بوده‌اند؛ ولی امروزه با توجه به انفجار اطلاعات یادگیری طبق نظریه‌های پیشین قابل توصیف نخواهد بود. طبق نظریه ارتباط‌گرایی، یادگیری دیگر در کنترل یادگیرنده نیست و ارتباط‌گرایی اصولاً بازتابی از واقعیت‌های عصر جدید است.

در این پژوهش سعی بر آن است ابتدا به بررسی این نظریه پرداخته و نقش استاد و زبان‌آموز برشمرده شود و سپس راه‌کارهای جدید طبق اصول و قواعد نظریه ارتباط‌گرایی ارائه گردد تا آموزش زبان خارجی نیز از قافله پیشرفت روزافزون و فراگیر عقب نماند. اسکندری (۱۳۸۸) در کتاب جورج زیمنس با عنوان دانش و یادگیری را در ارتباط با اصول و پایه‌های این نظریه را به ترجمه و چاپ رسانده است. براساس این کتاب مقالات بی‌شماری در راستای شناسایی و چگونگی به‌کارگیری آن در زمینه آموزش و یادگیری به رشته تحریر درآمده است. وی همچنین به بررسی ارتباط‌گرایی براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی پرداخته و مبانی آن را مورد نقد قرار داده است. حاصل این مقاله توصیفی-تحلیلی نقد و بررسی ضمن آنکه نظریه‌های جدید را به مرزبان، برنامه‌ریزان و طراحان آموزشی معرفی کرده و دلالت‌هایی را برای بهره‌برداری هرچه مطمئن‌تر از آن‌ها در فضای مجازی ارائه می‌کند (اسکندری، ۱۳۸۸).

رضایی و همکاران طی مقاله‌ای به روش پیمایش کتابخانه‌ای، مفاهیم نظری و کاربردی این نظریه در طراحی کتاب درسی دانشگاهی را بررسی و در مورد مهم‌ترین مفاهیم آن به بحث پرداخته است (رضایی و دیگران، ۱۳۹۰). از سایر مقالاتی که به روش توصیفی-اسنادی به بررسی این نظریه و ارائه الگوی طراحی آموزشی پرداخته، توسط فرزانه پور و همکاران به رشته تحریر درآمده است. حاصل این مقاله ضمن معرفی نظریه‌ای جدید به مرزبان و آشنا کردن آن‌ها با اصول حاکم بر ارتباط‌گرایی بیان یک مدل طراحی آموزشی براساس ارتباط‌گرایی است (فرزانه پور، ۱۳۹۳). ضرغام نیز طی مقاله‌ای توصیفی-تحلیلی برتری‌های روش ارتباط‌گرایی نسبت به روش‌های سنتی در یادگیری مشارکتی را مورد بررسی قرار داده و دریافته است که با توجه به برخی معیارها و تطبیق آن‌ها با دیگر نظریه‌های موجود، می‌توان آنرا به‌عنوان یک نظریه یادگیری به‌شمار آورد (ضرغام و دیگران، ۱۳۹۵). همچنین تقوی طی نسب نیز مقاله‌ای از دیدگاه

<sup>۱</sup> Connectivism

<sup>۲</sup> Behaviorism

<sup>۳</sup> Cognitivism

<sup>۴</sup> Constructivism

ارتباط‌گرایی به فلسفه تربیت و نگاه‌سازی گرایانه به یادگیری سنتی پرداخته است. در این مقاله با روش استنتاجی و تحلیلی به سؤالات درخصوص نظریه ارتباط‌گرایی و ویژگی‌های آن نسبت به سایر نظریه‌های یادگیری پاسخ داده می‌شود (تقوی‌نسب و همکاران ۱۳۹۵). اجتهادی و همکاران نیز طی پژوهشی پیمایش و غیرآزمایشی به بررسی ارتباط‌گرایی در آموزش الکترونیک پرداخته‌اند که طی به این نتیجه دست یافتند که عناصر یادگیری فراتر از کتاب و برنامه درسی، تکمیل و تقویت ساخت شناخت ذهنی از طریق ارتباط از مهم‌ترین عناصر ارتباط‌گرایی در آموزش الکترونیک می‌باشند (اجتهادی و همکاران ۱۳۹۶). اسدپور و همکاران نیز به طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی در زمینه آموزش علوم تجربی از دیدگاه ارتباط‌گرایی طی روش پژوهشی آمیخته و طرح اکتشافی پرداخته‌اند و از جمله نتایج به‌دست آمده در این پژوهش، ۷۲ کد محوری مربوط به ویژگی‌های عناصر منطق، هدف، محتوا، نقش معلم، فعالیت‌های یادگیری، گروه‌بندی، منابع، زمان، مکان و ارزشیابی بود (اسدپور و دیگران ۱۴۰۰).

چنین مقالاتی از جمله پژوهش‌های مطرح در این زمینه هستند ولی همچنان جای خالی نوشته‌هایی درخصوص آموزش زبان و نحوه به‌کارگیری اصول این نظریه در کلاس آموزش زبان به چشم می‌خورد که در این مقاله سعی بر آن است به این نکات پرداخته شود. بررسی اینکه کلاس آموزش زبان خارجی از دیدگاه ارتباط‌گرایی چگونه خواهد بود تاکنون انجام نشده است؛ لذا در این مقاله ابتدا اصول و قواعد این نظریه نوپا را برشمرده می‌شود و تلاش بر آن است تا براساس این نظریه راه‌کارهایی جهت نحوه برگزاری آموزش زبان خارجی ارائه گردد. این مقاله به بررسی نظریه ارتباط‌گرایی، نقش معلم و زبان‌آموز ارتباط‌گرا و ارائه راه‌کارهای مؤثر در جهت پیاده‌سازی آن در کلاس می‌پردازد و سعی بر آن است ابتدا به‌طور کلی به مفاهیم نظریه پرداخته شده و سپس با توجه به مباحث مطرح شده به هدف مقاله دست‌یافت. همچنین اهمیت کاربرد نقوش هندسی و جلوه‌های بصری در نرم‌افزارهای آموزشی بررسی می‌شود.

## ۱. نظریه ارتباط‌گرایی

نظریه ارتباط‌گرایی برای اولین بار به شکل منسجم به‌وسیله جورج زیمنس<sup>۵</sup> استاد دانشگاه منیتوبای کانادا در سال ۲۰۰۴ ارائه شد. هرچند مقاله او قبل از مقاله داوونز<sup>۶</sup> (۲۰۰۵) به نام مقدمه‌ای بر دانش ارتباطی به چاپ رسید، اما این نظریه دانش ارتباطی بود که پایه‌های معرفت‌شناسی ارتباط‌گرایی را شکل داد. پس از آن مقالات و کتب متعددی در زمینه بررسی و تحلیل این نظریه و مقایسه آن با سایر نظریه‌های قبلی به چاپ رسیده است که همگی بر این اصل استوارند که ارتباط‌گرایی نظریه مناسب و درخور برای عصر دیجیتال است (اسکندری، ۱۳۹۲: ۸۱).

در دنیای غنی از دانش و اطلاعات در وهله اول نیازمند تبیین اهمیت و اولویت اطلاعات هستیم و سپس می‌بایست متصل بودن و مطلع ماندن به موازات تغییراتی که در اطلاعات رخ می‌دهد را حفظ نماییم. ارتباط‌گرایی دیدگاهی است که دانش و شناخت را توزیع شده در سطح شبکه‌ای از افراد و فناوری می‌بیند و یادگیری را فرایند ارتباط و رشد آن

<sup>۵</sup> George Siemens

<sup>۶</sup> Stephan Downes

شبکه‌ها می‌داند. به زبان ساده‌تر ایجاد کردن گره‌ها و ارتباط دادن گره‌ها با یکدیگر و تشکیل شبکه‌ای از این گره‌ها و ارتباطات، یادگیری را ایجاد می‌کند و یادگیری خود ارتباط است (همان: ۴۵). این بدان معناست که یادگیری اساساً فرایند شکل‌دهی ارتباط‌ها یا شبکه‌سازی است نه آنکه یادگیری از طریق ارتباط یا شبکه‌ها اتفاق بیفتد یا تسهیل شود. یادگیری در نظریه ارتباط‌گرایی مبتنی بر فرایندهای مبادله اطلاعات غیررسمی، سازماندهی در شبکه و پشتیبانی به‌وسیله ابزارهای الکترونیکی و غیرانسانی است (عابدی کرجی‌بان ۱۳۹۰: ۳۸). زبان‌آموز نیز باید از طریق ابزارها و منابع اطلاعاتی به غنا بخشیدن به شبکه و تسلط بر زبان خارجی کوشش نماید. ساخت شبکه به زبان‌آموز این امکان را می‌دهد تا در مواجهه با رشد سریع دانش بتواند همگام با آن پیش رود.

گره، کوچک‌ترین واحد اطلاعاتی درون مغز است که می‌تواند یک مفهوم، یک انسان و یا یک رایانه باشد. گره‌ها عناصری هستند که می‌توانند با عناصر دیگر ارتباط برقرار کنند. به عبارتی، گره شیئی در یک شبکه به همراه عنصر ارتباط است. گره‌ها می‌توانند هر شکل و فرمی را به خود بگیرند؛ از قبیل سلول‌های عصبی، اندیشه‌ها، رشته‌ها، فرد، گروهی از افراد، اجتماع، کامپیوتر، برون‌داد کامپیوتر و همچنین وب‌سایت. همچنین شبکه نیز متشکل از چندین گره و ارتباط است. با وجود گره‌های مختلف در نظریه ارتباط‌گرایی، شبکه‌های مختلف هم در آن به‌وجود می‌آید. این شبکه‌ها گاه ناظر به درون مغز و گاه ناظر به محیط‌های بیرونی هستند (اسکندری، ۱۳۹۲: ۴۶).

نظریه ارتباط‌گرایی مدعی است که برخلاف نظریه‌های یادگیری غالب می‌تواند به چالش‌ها و مطالبات پیشروی نظام‌های آموزشی پاسخ دهد. وقتی دانش، فراوان و به‌سرعت در حال رشد باشد، ارزشیابی سریع دانش از اهمیت خاصی برخوردار است؛ بنابراین نیرومحرکه ارتباط‌گرایی درک این واقعیت است که تصمیم‌ها در دنیای جدید بر بنیادهای به‌سرعت در حال تغییر استوارند (اسکندری و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۰). بنابر نظر زیمنس سرعت دانش می‌بایست در نظریه جدید مورد توجه قرار گیرد. تمام نظریه‌های پیشین پردازش دانش را به فردی که قرار است یاد بگیرد محول کرده‌اند. این الگو تا زمانی که جریان دانش معتدل باشد جواب خواهد داد. زمانی که جریان، بیش از اندازه سریع و پیچیده می‌شود، ما نیازمند الگویی هستیم که به افراد امکان می‌دهد علی‌رغم سرعت و جریان یاد گرفته و عمل کنند (اسکندری و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۵).

## ۲. ارتباط‌گرایی و نظریه‌های یادگیری

نظریه‌های پیشین به‌نوعی معتقدند که دانش یک موضوع یا یک حالت است که اگر به شکل ذاتی در فرد وجود نداشته باشد، از طریق تفکر و تجربه به‌دست می‌آید. چنین نظریه‌هایی محل استقرار دانش را در درون فرد می‌دانند و بر ذهن مبتنی هستند و به یادگیری که توسط فناوری ذخیره می‌شود یا به‌وجود می‌آید توجهی ندارند. آن‌ها تنها به فرایند یادگیری و کسب معرفت توجه دارند و قبل از یادگیری به ارزش آنچه قرار است یاد گرفته شود نپرداخته‌اند. بنابر استدلال زیمنس چنین نظریه‌هایی زمانی شکل گرفته‌اند که یادگیری تحت تأثیر فناوری جدید نبوده است. ورود به عصر دیجیتال و ظهور فناوری جدید اطلاعاتی و ارتباطی عده‌ای را به فکر واداشت که شاید این نظریه‌ها به‌اندازه کافی

برای نظام تعلیم و تربیت قرن بیست و یکم مفید نباشد (اسکندری، ۱۳۸۸: ۳). برای توضیح بیشتر می‌توان نگاه مختصری به اصول و ساختار نظریه‌های مهم و مطرح یادگیری پرداخت.

رفتارگرایی بیان می‌کند که یادگیری تا حد زیادی قابل شناخت نمی‌باشد و نمی‌توان درک کرد که در وجود انسان چه اتفاقی رخ می‌دهد. در رفتارگرایی، یادگیری زمانی رخ می‌دهد که پاسخی صحیح به دنبال ارائه یک محرک محیطی ظاهر می‌شود. رفتارگرایی بر جنبه‌هایی آشکار و عواملی مانند تقویت، تنبیه و هدف‌های آشکار تأکید دارد. اصول رفتارگرایی می‌تواند برای تدریس پایه‌ها (حقایق) مورد استفاده قرار گیرد (واتسون، ۲۰۱۷).

در شناخت‌گرایی از مدل پردازش اطلاعات کامپیوتری استفاده می‌شود. یادگیری فرایندی است بر مبنای داده‌های ورودی که در حافظه کوتاه‌مدت مدیریت شده و برای فراخوانی درازمدت کدگذاری می‌شود. در شناخت‌گرایی یادگیری به‌عنوان فرایندی فعال در نظر گرفته می‌شود که در فراگیر رخ می‌دهد و علاوه بر آنچه به معلم ارائه می‌دهد به آنچه فراگیر برای پردازش اطلاعات انجام می‌دهد نیز بستگی دارد. شناخت‌گرایی بر ذهن و آنچه در آن اتفاق می‌افتد تأکید می‌کند. اصول شناختی می‌تواند برای تدریس چگونگی فرایندها و اصول مورد استفاده قرار گیرد (پیاژه، ۱۹۸۵).

ساختارگرایی نشان می‌دهد که افراد در تلاش برای درک تجربه خود، اطلاعات ایجاد می‌کنند. در ساختارگرایی فرد یک مجرای خالی برای پرکردن اطلاعات نیست؛ بلکه فرد فعالانه تلاش می‌کند که مفاهیم را خلق کند. در ساختارگرایی یادگیری فرایند فعالی است که در آن معانی ذهنی و خلق معنا اهمیت دارد. نظریه ساخت‌گرایی به طراحی محیط‌های مبتنی بر مسئله می‌پردازد. اصول ساختارگرایی می‌تواند برای تدریس تفکر سطح بالا مورد استفاده قرار گیرد (پالینسکار، ۱۹۹۸). اما ارتباط‌گرایی نظریه‌ای است که چگونگی رخداد یادگیری در عصر دیجیتال را توصیف می‌کند. پژوهش در نظریه‌های سنتی در دوره‌ای انجام گرفت که هنوز فناوری‌های شبکه رشد نکرده بودند. در زمانی که رشد دانش از سرعت بالایی برخوردار است و فناوری در بسیاری از تکالیف پایه جایگزین افراد شده است، یادگیری دستخوش تغییراتی خواهد بود.

نظریه ارتباط‌گرایی بیان می‌کند که دانش و یادگیری توزیعی است؛ یعنی در یک مکان معینی مستقر نیست؛ بنابراین به‌خودی‌خود نه انتقال می‌یابد و نه مبادله می‌شود، بلکه شامل شبکه‌ای از ارتباط‌هاست که از تجربه و تعامل با اجتماع دانش شکل می‌گیرد و هرآنچه انسان از راه تجربه به‌دست آورده باشد، هیچ نیرویی در دنیا نمی‌تواند آن را از وی بستاند. شبکه‌ها هر فردی را از هر جا و مکانی می‌توانند به درون کلاس بیاورند؛ به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان دیگر متکی به نظریات صرف پژوهشگران و نظریه‌پردازان نیستند؛ بلکه مستقیماً می‌توانند از میان وبلاگ‌ها، ویکی، فیس‌بوک، فهرست خدمات و غیره با آن‌ها ارتباط برقرار کنند و به تبادل اطلاعات بپردازند و یادگیری این‌گونه شکل می‌گیرد (اسکندری، ۱۳۸۸: ۴).

## ۳. دانش ارتباطی و ارتباط‌گرایی

پایه معرفت‌شناختی نظریه ارتباط‌گرایی که توسط استفان داونز ارائه گردید، دانش ارتباطی است. وی معتقد است که همه آنچه را که ما در مورد یک چیز می‌دانیم، در طول تاریخ با دو نوع دانش تبیین شده است: دانش کیفی که در مورد رنگ، شکل، جنس، درشتی، نوع صدا و ... است و در واقع به‌طور خاص دانشی است که از حواس ما نشئت می‌گیرد. دانش کمی که در مورد مقدار و اندازه مشاهدات است. برای مثال مقدار وزن، طول، عرض و ارتفاع همه‌دانش کمی هستند. دانش کمی از عمل شمردن و اندازه‌گیری کردن حاصل می‌شود و دانشی عمیق‌تر از آنچه صرفاً از طریق حواس به‌دست می‌آوریم به ما می‌دهد. طبق نظر داونز این دو دانش تلفیقی از بهترین قابلیت‌های بشری‌اند. به اعتقاد پیشروان ارتباط‌گرایی در قرن بیست و یکم سخن از نوع سومی از دانش است که در قالب تقسیم‌بندی دوگانه کیفی و کمی نمی‌گنجد؛ دانشی که فراتر از دانش حاصل از حواس و یا محاسبات منطقی و ریاضی است و آن دانش نوظهور که از رابطه‌ها منتج می‌شود، دانشی درباره ارتباط‌های موجود در عالم است. دانشی درباره اینکه چگونه نظام‌های مختلف ارتباطی خلق می‌شوند و چه تأثیری به‌جای می‌گذارند. دانشی درباره اینکه چگونه ما چنین ارتباط‌هایی را می‌بینیم و چگونه آن‌ها را و نتایج آن‌ها را مشاهده می‌کنیم و چگونه ارتباط‌هایی را اندازه‌گیری و محاسبه می‌کنیم. دانش ارتباطی اگرچه نوع جدیدی از دانش است، مستقل از دیگر انواع دانش نیست. ما برای اینکه بتوانیم در مورد ارتباط‌ها صحبت کنیم باید قادر به دیدن (دانش کیفی) و شمارش (دانش کمی) آن‌ها باشیم (اسکندری، ۱۳۸۸: ۳). طبق دیدگاه ارتباط‌گرایی دانش ارتباطی از راه بررسی شبکه‌های عالم به‌وجود می‌آید؛ بنابراین وقتی گفته می‌شود ارتباطات منبع دانش ارتباطی است، منظور ارتباطی است که در دل شبکه‌ها ایجاد می‌شود. یادگیری عبارت است از شکل‌دهی به شبکه یعنی افزودن گره‌های جدید و خلق مسیرهای نو که این تعریف در حیطه آموزش زبان خارجی نیز جایگاه خود را دارد. یادگیری یعنی زبان‌آموز هر چه بیشتر دایره اطلاعاتی خود در زمینه زبان و در خصوص لغت و گرامر و توانایی صحبت و گفتمان و تسلط بر آن را گسترش دهد و به کشف ارتباط بین آن‌ها بپردازد. این بدین معناست که ویژگی یک دانش باید به ویژگی یک دانش دیگر هدایت یا تبدیل شود تا بتوان آن‌ها را دارای ارتباط تلقی کرد. دانشی که از چنین ارتباط‌هایی حاصل شود، دانش ارتباطی خواهد بود (همان: ۴).

طبق اظهارات زیمنس، بنیان‌گذار نظریه ارتباط‌گرایی در سال ۲۰۰۶ تعداد نه اصل در این نظریه وجود دارد (اسکندری، ۱۳۹۲: ۵۳):

- ۱- دانش و یادگیری در دیدگاه‌های متنوعی مستقر هستند تا امکان‌پذیرترین رویکرد فراهم باشد؛
- ۲- دانش در شبکه‌ها مستقر است؛
- ۳- از طریق ارتباط گروه‌های خاص یا منابع اطلاعاتی شبکه‌ها تشکیل شده و این فرایند تشکیل شبکه خود یادگیری است؛
- ۴- دانش ممکن است در تجهیزات غیرانسانی مستقر باشد و یادگیری به‌وسیله فناوری تسهیل و توانمند می‌گردد؛

- ۵- ظرفیت یادگیری مهم‌تر از اطلاعاتی است که اکنون در دسترس است؛
  - ۶- آنچه در یادگیری ضروری است، حفظ ارتباط برای یادگیری مداوم است؛
  - ۷- یادگیری توانایی دیدن ارتباطات بین زمینه‌ها، تشخیص الگوها، ایده‌ها و مفاهیم در قالب مهارت زیربنایی است؛
  - ۸- به‌روز نگه‌داشتن اطلاعات و دانش معتبر، هدف عملکردهای یادگیری ارتباطی است؛
  - ۹- تصمیم‌گیری خود فرایند یادگیری است. دانش و اطلاعات تصمیم‌گیری را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.
- هم‌اکنون می‌توان به ویژگی‌های مهم یادگیری از دیدگاه زیمنس اشاره کرد و از فحوای آن به ساختارهای کلاس زبان از منظر ارتباط‌گرایی پی برد (همان: ۵۲-۴۹):

- یادگیری به‌صورت متنوع، پویا، غیرخطی و حتی با بی‌نظمی صورت می‌پذیرد (Chaotic) و لزوماً با بسته‌بندی و نظم همراه نیست.
- یادگیری همواره در حال اتفاق افتادن است و همواره در مسیر رشد و پیشرفت قرار دارد (Continual).
- یادگیری فراگیر و معلم در کنار هم به‌صورت فعالانه صورت می‌گیرد (Co- Creation).
- یادگیری یک فرایند چندوجهی و تلفیقی است که تغییر در هر عنصر و یا گره به تغییر در شبکه بزرگ‌تر منجر می‌شود (Complexity).
- پیچیدگی و تنوع به ایجاد گره‌های متخصص منجر می‌شود. عمل رشد دانش و یادگیری مستلزم گره‌های تخصصی متصل است (Connected Specialization).
- قطعیت در خصوص شناخت قطعی و همیشگی نیست و همواره در طول زندگی دستخوش تغییر است و دانش را کد نمی‌ماند (Certainty Continual Suspended).
- یادگیری یک ویژگی خودسازمانده دارد که در آن فراگیر در هر ارتباطی که با شبکه و دنیا دارد، مشغول یادگیری است (Self-Organization).

باتوجه به دیدگاه‌های مطرح شده، مراتب به شرح ذیل به کلاس آموزش زبان تعمیم داده خواهد شد:

- در آموزش زبان نمی‌توان تنها به یک مهارت مثلاً گرامر یا تلفظ به‌صورت خطی پرداخت؛ بلکه بهتر است یادگیری زبان در ابعاد مختلف و هم‌زمان با پرورش سایر مهارت‌ها صورت پذیرد (Chaotic).
- یادگیری زبان تنها در کلاس زبان اتفاق نمی‌افتد بلکه می‌تواند در هر زمان و مکانی با گوش‌دادن و خواندن متون به زبان مقصد صورت پذیرد (Continual).
- در یادگیری زبان نیز معلم و زبان‌آموز با هم به هم‌آفرینی دانش مبادرت می‌ورزند. در کلاس آموزش زبان خارجی معلم از نقش متکلم‌الوحده خارج شده و در کنار زبان‌آموزان در یادگیری زبان خارجی مشارکت دارد.

معلم به عنوان دانای کل و متن به عنوان متن غایی وجود ندارد و زبان آموز می خواند، تحقیق می کند و اظهار نظر می نماید (Co-Creation).

- یادگیری هر واژه یا هر قسمت از دستور به یادگیری و تسلط بیشتر بر زبان می انجامد (Complexity).
- یادگیری زبان نیز مستلزم گره های تخصصی متصل است؛ بخصوص در حوزه یادگیری لغت این ویژگی بسیار پر معناست (Connected Specialization).
- هر روز با پیشرفت تکنولوژی و بروز پدیده های جدید واژگان جدیدی به گنجینه لغات اضافه شده و این پهنه گستره تر می گردد (Certainty Continual Suspended).
- زبان آموز می تواند با استفاده از انواع نرم افزارها و برنامه های خودآموز و یا با مشاهده فیلم و یا گوش دادن به موسیقی زبان مقصد به تسلط و یادگیری زبان خارجی مبادرت ورزد. زبان آموز همواره با دانش و اطلاعات جدید مواجه می شود و به طور فعال شبکه یادگیری خود را بازبینی و به روزرسانی می نماید (Self-Organization).

#### ۴. نقش معلم در کلاس آموزش زبان از دیدگاه ارتباط گرایی

در این بخش با توجه به ویژگی های نظریه ارتباط گرایی، به برشمردن نقش معلم آموزش زبان نیز می پردازیم. لازم به ذکر است زیمنس در سال ۲۰۰۸ در کتاب یادگیری و دانش در شبکه به برشمردن نقش معلم ارتباط گرا پرداخته است که در این مقاله با برشمردن کلیات این نقش ها، به نقش معلم آموزش زبان نیز در انتهای هر پاراگراف اشاره خواهد شد. چنانچه یک معلم ارتباط گرا بخواهد نقشش را در کلاس به درستی ایفا کند بهتر است نکات ذیل را مدنظر قرار دهد:

- ۱- معلم ارتباط گرا می بایست نقش هدایت گر، تأثیرگذار و راهنما داشته باشد.
- معلم دانش را مستقیم به فراگیر انتقال نمی دهد؛ بلکه با ارائه نظر آن ها را هدایت کرده و به سوی یادگیری هوشمندانه و فعالانه سوق می دهد. در شبکه ها معلم جز گره های مهم و برجسته خواهد بود. افکار، ایده ها و یا پیام هایی که معلم تقویت می نماید امکان زیادی دارد که به وسیله سایرین دیده شوند.
- ❖ معلم زبان از طریق سوق دادن توجه زبان آموز به علائم و عناصر محتوا که اهمیت خاصی در حوزه موضوعی مورد نظر دارند، به شبکه اطلاعات شکل می دهد.
- معلم آنچه که باید توسط فراگیر آموخته شود را به طرز خلاقانه ای در کنار یکدیگر به طور مرتب و با یک ساختار منطقی قرار می دهد تا فراگیر خود آن را کشف کند. به عبارت دیگر وی در یک زمینه یادگیری عناصر کلیدی یک موضوع را به شیوه ای مرتب می کند که زبان آموزان در طول دوره با آن ها برخورد می کنند.
- ❖ بدین ترتیب می توان در خصوص کلاس زبان چنین اظهار نمود که به جای اینکه به آن ها طبق روش های سنتی آشکارا مفاهیم آموزش داده شود، معلم مفاهیم مهم دوره را طی گفت و گوهای خود با زبان آموزان در



اظهارنظریایی که در بلاگ‌ها ثبت می‌شوند، در بحث‌های کلاسی و در بازتاب‌های فردی خود می‌گنجاند. به موازات آنکه زبان‌آموز شبکه‌های شناخت خود را توسعه می‌دهد، برخوردهای مکرری که با مفاهیم و افکار صورت گرفته و توسط معلم به اشتراک گذاشته می‌شود، یادگیری خود را سروسامان می‌دهد. در واقع معلم آزادی فردی زبان‌آموز را با تفسیر اندیشمندان موضوعی که در حال بررسی است متعادل می‌کند. آزادی زبان‌آموز برای بررسی حد و مرزی ندارد؛ اما وقتی با موضوع اصلی درگیر می‌شوند، مفاهیم کلیدی حوزه مورد مطالعه به صورت روشن و شفاف از سوی معلم و از طریق عملکردهای کلاس گردانی و مدیریتی او منعکس می‌شوند.

• معلم آنچه از طریق ارتباطات و تجربه توسط فراگیر، فراگرفته شده را مورد سنجش قرار داده تا از میزان اعتبار آن آگاهی پیدا کرده و صحت و وسقم آن را محک بزند و در صورت پیمودن راه اشتباه توسط فراگیر، درصد برآید تا آن‌ها مسیر درستی را در پیش بگیرند.

❖ براساس این نقش مطرح شده توسط زیمنس، زبان‌آموزان می‌توانند به‌طور مستقل و خودکار اطلاعات موجود در خصوص مباحث مطروحه را جست‌وجو و یک پایگاه دانش دقیق و معتبر بسازند. راهنمایی و هدایت معلم در اینجا به ارائه آدرس‌های اینترنتی محدود نمی‌شود. بلکه وی باید از انتخاب موضوع تا دریافت اطلاعات و نتیجه‌گیری همپای زبان‌آموز پیش رود و به تحقیق و درعین حال به نظارت بپردازد.

• معلم به‌عنوان هدایت‌گر بر نحوه یادگیری نظارت می‌کند و فراگیر را حین یادگیری آزاد می‌گذارد.

❖ معلم، زبان‌آموزان را به‌سوی منابع یا فرصت‌های یادگیری هدایت می‌کند که ممکن است از آن‌ها بی‌اطلاع باشند. وی تلاش می‌کند که یک راهنمایی نرم فراهم کند. گاهی به سخنرانی سنتی می‌پردازد و در برخی مواقع به زبان‌آموزان اجازه می‌دهد به شیوه خود عمل نمایند.

۲- علاوه بر آنکه معلم نقش هدایتگر دارد؛ درعین حال می‌بایست جهت اثربخشی یادگیری و تدریس، انتخاب فناوری مناسب و نگهداری تمرکز و اشتیاق فراگیر نیز شامل درستی داشته باشد.

❖ معلمان زبان اغلب در حوزه خود دارای تجارب بسیار مفید هستند و با بسیاری از تنگناها، پریشانی‌ها و حواس‌پرتی‌هایی که زبان‌آموزان با آن‌ها روبه‌رو هستند، آشنایی دارند. معلم با روش‌هایی که وضوح کم‌تری دارند و به فراگیر این اختیار داده می‌شود که از بین جریانی از اطلاعات فیلترشده تشخیص بدهد که چه چیزی به جریان یادگیری وی بی‌ارتباط و یا مفید است و در بین آن‌ها دست به انتخاب بزند.

۳- معلم خالق شبکه است؛ یعنی پیشنهاددهنده نقاط مهم در یادگیری، تشویق به ارائه نقد و نظر در گفت‌وگوها و همچنین تشویق به ارائه تجربیات و اظهارنظرها. وی می‌بایست به ارضای حس کنجکاوی با ارتباط یادگیرندگان به موارد جدید کمک کند.

❖ از آنجاکه یادگیری طبق اصول ارتباط‌گرایی در شبکه اتفاق می‌افتد، معلم باید به زبان‌آموزان کمک کند تا بتوانند مهارت‌های لازم برای ساختن این شبکه را جهت یادگیری، ارزشیابی و اثربخشی آن‌ها و مهار کردن در محدوده یک ساختار سیال به‌دست آورند. کمک برای کسب این مهارت‌ها یک تغییر عمده در شکل‌گیری تجارب کلاس‌ها به‌شمار می‌رود؛ بنابراین اساسی‌ترین کار معلم زبان، کمک به زبان‌آموزان برای تشکیل ارتباط‌ها و خلق شبکه‌های یادگیری است. این شبکه‌ها باید به زبان‌آموز کمک نمایند تا شایستگی‌های خود را برای برآورد هدف‌ها و نتایج یک دوره خاص به‌دست آورد. به موازات برخورد زبان‌آموزان با اطلاعات جدید، معلم آن‌ها را تشویق می‌کند تا به شکل انتقادی مناسب، مفیدبودن اطلاعات را مورد بررسی قرار دهد. برای مثال به هنگام یادگیری واژگان معلم می‌تواند از روش‌های برین استورمینگ یا مایند مپ شبکه‌ای خلق نماید که واژه‌ها در ذهن فراگیر ماندگارتر باشد و هم‌زمان در چنین شبکه‌ای گرامر و تلفظ به موازات فراگرفته می‌شود.

۴- معلم کمک می‌کند تا شناسایی راه‌های کسب اطلاعات، تکیه بر پویایی و تغییر در اطلاعات و همچنین رشد فرا مهارت سنجش اعتبار اطلاعات در دانش‌آموز تقویت گردد.

❖ از آنجاکه گردآوری نیز یکی دیگر نقش‌های مهم معلم در آموزش شبکه‌ای است، گردآوری گفتگوها و محتواهای پراکنده حول یک موضوع از جمله موارد مهم است و در یافتن و پیگیری منابع یادگیری در اینترنت اهمیت زیادی دارد. معلم با ابزارهای فردی مانند آر.اس.اس‌ها و آی گوگل، می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.

۵- معلم ارتباط‌گرا، معلم شبکه‌ای شده است. وی با همکاران، رسانه‌های جمعی، منابع دیجیتال و کاغذی، بلاک‌ها، همایش‌های ویدئویی، برنامه‌های اجتماعی، مراکز اشتراک‌گذاری و جوامع تولیدکننده محتوا ارتباط دارد.

❖ دانش‌زبانی از راه‌های گوناگون دریافت می‌شود. در واقع، زبان‌آموز می‌تواند از طریق یادگیری غیررسمی، آزمایش و گفت‌وگو و تفکر و تعمق به‌طور دائم در معرض اطلاعات زبانی قرار گیرد. معلم زبان باید دیدگاه خود را درباره معنای روزآمد بودن در رشته خود اصلاح کند و درباره چگونگی برنامه‌ریزی جهت ارتباط زبان‌آموز با یک ساختار بزرگ‌تر که فراتر از یک دوره آموزشی است، دیدگاه جدیدی اتخاذ نماید.

## ۵. نقش زبان‌آموز در کلاس از دیدگاه ارتباط‌گرایی

باتوجه به اینکه کلاس زبان براساس نظریه ارتباط‌گرایی حول محور فراگیر یا به عبارتی زبان‌آموز می‌چرخد، وظایف فراگیر که باید توسط معلم به آن‌ها اشاره شود، با وظایف زبان‌آموز نظریه‌های پیشین متفاوت است. از آنجاکه در این مقاله به بررسی نقش زبان‌آموز و معلم در کلاس زبان ارتباط‌گرا می‌پردازیم، وظایف زبان‌آموز در چنین کلاسی به شرح ذیل خلاصه می‌گردد:

- ۱- زبان‌آموز و استفاده از اینترنت: اولین و مهم‌ترین راه یادگیری در جهان شبکه‌ای، استفاده از اینترنت است. زبان‌آموزان می‌توانند به‌طور مستقل و خودکار اطلاعات و دانش موجود در خصوص آنچه توسط معلم در کلاس مطرح می‌شود را جست‌وجو و یک شبکه و یا پایگاه دانش دقیق و معتبر بسازند.
- ۲- زبان‌آموز و به‌روزرسانی اطلاعات: به‌روزرسانی اطلاعات امر مهم دیگری است که زبان‌آموز پویا خود در اجرای آن مؤثر است. البته در خصوص مباحث آموزش زبان بحث به‌روزرسانی مانند سایر علوم چندان حائز اهمیت نخواهد بود؛ چراکه ممکن است قواعد گرامری تغییر چندان و روزانه‌ای نداشته باشد. اضافه‌شدن واژگان به گنجینه لغات نیز وجود دارد ولیکن این اطلاعات کهنه و قدیمی نمی‌شود و یا در خصوص مباحث فرهنگی، بومی، جغرافیایی هم نسبتاً مانند سایر زمینه‌های علوم فناوری و تکنولوژی به‌گونه‌ای نیست که امروز معتبر و فردا نباشد. اشاره به این موضوع پربیراه نیست که در مورد یادگیری آموزش زبان خارجی منظور از به‌روزرسانی مرور و خواندن متون جدید بوده و متنی که در سال ۲۰۰۵ در روزنامه چاپ شده است از اعتبار و یا جذابیت خاصی برخوردار نمی‌باشد؛ بنابراین زبان‌آموز می‌بایست با خلق شبکه‌هایی از دانش محتوی جاری و روزآمد را جایگزین محتوایی نماید که تاریخ مصرف آن گذشته است.
- ۳- زبان‌آموز و اولویت‌بندی اطلاعات: زبان‌آموز در هر زمان از یادگیری باید بتواند اطلاعات مهم را از غیرمهم تشخیص دهد. به‌خصوص به هنگام خواندن متون جهت درک مطلب می‌بایست مراتب با تمرکز بیشتری صورت پذیرد.
- ۴- زبان‌آموز و یادگیری در هر زمان و مکان: زبان‌آموزان می‌توانند بدون مشکل زمان و مکان نسبت به رفع اشکالات خود و دریافت اطلاعات جدید اقدام نمایند. آنان می‌توانند با افراد در سراسر دنیا به تبادل اطلاعات مشغول شوند. برای مثال، در برنامه تاندم که زبان‌آموزان در هر جای دنیا می‌توانند زبان مشترکی برای تبادل اطلاعات و یادگیری زبان داشته باشند. شخصی به دنبال یادگیری زبان آلمانی و دیگری درصدد یادگیری زبان فارسی است و آنان از طریق این پلتفرم می‌توانند به تبادل اطلاعات و اندیشه‌ها و یادگیری و سایر مشغول شوند. وبسایت‌های آموزشی بسیار گسترده و متعددی وجود دارد که بنابر سطح، سلیقه و نیاز زبان‌آموز به وی کمک کنند. همچنین ابزارهای هوش مصنوعی امروزه به‌طور گسترده‌ای به کمک زبان‌آموزان آمده و برنامه‌های متنوعی در بسیاری از زمینه‌ها قابل‌دسترسی است که به زبان‌آموزان در یادگیری زبان خارجی کمک می‌کنند. وظیفه زبان‌آموز جست‌وجو و کشف این برنامه است. لازم به ذکر است که معلم شبکه‌ای و به‌روز شده با این نمونه برنامه‌ها آشنا بوده و به فراخور ظرفیت کلاس راه‌های دسترسی به چنین برنامه‌هایی را برای زبان‌آموزان فراهم می‌نماید و پس از آن زبان‌آموز درصدد بهره‌برداری از آن‌ها بر می‌آید.
- ۵- زبان‌آموز و مشارکت و گفتمان در کلاس: مکالمه، فردی‌ترین تجربه است. زبان‌آموز سؤالاتی مطرح می‌کند و مبتنی بر مفاهیم موردنظر خود اظهارنظر می‌نماید. به موازات افزودن ابعاد اجتماعی به شناخت خویش، می‌تواند یک الگوی انطباق‌یابنده ساخته که براساس فعالیت‌های تمام اعضای کلاس یاد می‌گیرد. کلاسی با

۳۰ زبان آموز را در نظر بگیرید که ارتباطات به شیوه شفافی برقرار می‌شود. این زبان آموزان افکار و ایده‌های خود را به دیگران عرضه می‌کنند و به‌طور نامحسوس به فراگیری محتوی مباحث دست‌یافته و به دنبال آن زبان بیگانه را می‌آموزند؛ بنابراین مشارکت و فعالیت زبان آموز از طریق گفت‌وگو و مکالمه یکی از نقش‌ها و وظایف وی در راه کسب موفقیت در یادگیری و تسلط بر زبان است.

## ۶. ارائه راه‌کارهای متناسب جهت نحوه آموزش زبان خارجی طبق اصول نظریه ارتباط‌گرایی

ارتباط‌گرایی دیدگاهی درباره چگونگی مواجهه افراد با دانش و بررسی آن به شکل شبکه‌ای، بوم‌شناختی است که شامل مراحل ذیل (از مبانی شروع شده و به‌سوی پیچیدگی بیشتر حرکت می‌کند) است (اسکندری، ۱۳۹۲: ۱۱۷)؛ بنابراین راهکارهای ذیل با توجه به توضیحات درخصوص اصول و قواعد ارتباط‌گرایی جهت آموزش و یادگیری زبان خارجی پیشنهاد می‌گردد. لازم به ذکر است زمینس در کتاب خود به سرفصل‌های ذیل اشاره کرده که در این مقاله مراتب به به‌عنوان راه‌کارها در کلاس آموزش زبان تعمیم داده شده است.

- آگاهی و پذیرندگی *Awareness and Receptivity*: زبان آموز برای کنترل فراوانی اطلاعات و دسترسی به منابع و ابزارها نیازمند مهارت‌های پایه است؛ بنابراین تأمین تجهیزات و ایجاد شرایطی که زبان آموز سر کلاس بتواند دسترسی لازم جهت به‌روزرسانی اطلاعات را داشته باشد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
- ارتباط‌سازی *Connection Forming*: زبان آموز استفاده از ابزارها و شناختی را که در سطح اول به دست آورده است، آغاز می‌کند تا به یک شبکه مشخصی شکل داده و آن را ایجاد کند. وی در رابطه با مصرف یا کسب منابع و ابزارهای جدید در کلاس به فعالیت می‌پردازد. عوامل عاطفی و برانگیزنده نقش برجسته‌ای را در تصمیم‌گیری درباره اینکه کدام منابع به شبکه یادگیری شخصی افزوده شود ایفا می‌کنند. بدین ترتیب پرورش توانایی‌های زبان آموز جهت استفاده منتقدانه و خلاقانه از منابع شبکه نیز از جمله مواردی است که باید بدان پرداخته شود.
- مشارکت در یادگیری *Contribution and Involvement*: زبان آموز در شبکه خودساخته خود کاملاً احساس راحتی می‌کند. وی فعالانه مشارکت خود را در شبکه یا به عبارتی کلاس آغاز می‌کند و به‌طور اساسی به یک گره قابل‌رؤیت تبدیل می‌شود. مشارکت و درگیری فعالانه زبان آموز به دیگر گره‌های شبکه امکان می‌دهد تا به اهمیت منابع، نظرها و ایده‌های او پی ببرند؛ بنابراین ایجاد فضای مناسب و راحت در کلاس نیز از جمله مواردی است که باید در کلاس آموزش زبان بدان توجه داشت. منظور از فضای معنی‌فرازی مناسب برای فراگیر که بتواند خود را در محیط کشور زبان مقصد دیده و به کشف ارتباطات بپردازد و یا فضایی مناسب برای زبان آموز برای فکر کردن (به اصطلاح به زبان بیگانه فکر کردن) و بیان خود. همچنین ایجاد فضایی مناسب جهت درک فرهنگ کشور زبان مقصد و توجه به آن در راستای پذیرش آن. ایجاد چنین فضاهایی جهت برپاداشتن این راهکارها در کلاس زبان عمدتاً بر عهده معلم ارتباط‌گرا است.

- شناسایی الگو Pattern Recognition: زبان‌آموز شبکه‌ای شده، مطلع و واجد صلاحیت است. زبان‌آموز فعال و پویا از زبان‌آموز منفعل به مشارکت‌کننده فعال تبدیل می‌شود و باگذشت زمان و رشد در شبکه، دریافت او از آنچه به‌مثابه یک کل در شبکه یا کلاس اتفاق می‌افتد افزایش می‌یابد. زبان‌آموز با تسلط یافتن بر مبانی مشارکت می‌تواند الگوها و روندهای در حال ظهور را شناسایی کند؛ بنابراین تشویق و حمایت از کارگروهی و ایجاد سیستم‌ها و دیدگاه‌های اندیشه و عمل هماهنگ از طریق ساخت گروه‌های مختلف در کلاس و ملزم ساختن زبان‌آموزان به ارائه نتیجه کار به‌صورت تیمی می‌تواند در راستای هدف تسلط بر زبان خارجی بسیار مفید واقع گردد.
  - معناسازی Meaning making: زبان‌آموز از توان درک معنا برخوردار است. معناسازی بنیان عمل و تحول دیدگاه‌ها، چشم‌اندازها و عقاید است. حفظ روابط، تعاملات و تبادل اطلاعات دانش و فناوری میان زبان‌آموزان از طریق گفتمان و نیز تلاش برای توسعه دیدگاه‌ها از جمله دیدگاه فرهنگی، مهارت‌ها و توانمندسازی و ایجاد تعامل در این راستا مفید و ضروری است.
  - کاربرد Praxis: زبان‌آموز فعالانه درگیر کشیدن، ساختن و بازسازی شبکه یادگیری خود می‌شود. زبان‌آموز ممکن است فراتر از شبکه خود دست به اقداماتی بزند. کاربردها به‌مثابه چرخه‌ای از فرایند تفکر، آزمایش و عمل به زبان‌آموز امکان می‌دهد تا به‌طور انتقادی ابزارها، فرایندها و عناصر کلاس یا شبکه را مورد ارزیابی قرار دهد. ایجاد زمینه‌ای مناسب برای زبان‌آموزان به‌منظور خلاقیت و نوآوری در ارائه کار تحقیقی یا عهده‌دار شدن نقش‌های در برقراری مکالمه خود نیز از جمله راهکارهای مهم محسوب می‌شود.
  - ساختار کلاس زبان ارتباط‌گرا باید باز open باشد که زبان‌آموزان بتوانند در این فرایند سخن بگویند و اظهارنظر نمایند و همچنین بهتر است مساعد Conductive باشد، یعنی برای جریان دانش و یادگیری زبان مساعد باشد و موانع وجود نداشته و یا حداقل محدود نباشد؛ بنابراین ایجاد چنین فضاهای مناسب به شرح ذیل از راهکارهای مفید ارتباط‌گراست:
    - فضایی برای ارتباط زبان‌آموز و معلم
    - فضایی برای خوداظهاری، بحث و گفتگو
    - فضایی برای جست‌وجوی دانش بایگانی شده
    - فضایی برای تبادل اطلاعات دانش که نشانه عناصر مفید در حوزه موردنظر است.
    - فضایی برای ایجاد آمادگی برای رقابت جدید و اجرای فرایندهای آزمایشی.
۷. نقوش هندسی در جلوه‌های بصری در نرم‌افزارهای آموزشی

از نظر پیازه کودکان و هم‌نوجوانان به فیلم‌هایی که با تصویر زندگی عادی و روزمره‌شان تفاوت داشته باشند و برایشان بدیع و غریب جلوه کند، توجه بیش‌تری نشان می‌دهند. خلق فضاهای جذاب در فیلم به کمک تکنیک جلوه‌های ویژه امکان می‌یابد، که ساده‌ترین آن افکت‌های تصویری مانند دیزالو، فید و سوپر ایمپوز می‌باشد. تکنیک‌هایی که در

کامپیوترهای شخصی هم به سهولت قابل دسترسی است. امروزه کامپیوتر برای همیشه جامعه و فرایندهای یادگیری را دچار دگرگونی کرده است (خندان دل، ۱۳۸۸: ۲۴). بنابراین کاربست جلوه‌های بصری می‌تواند نقش کلیدی در آموزش به‌وسیلهٔ نرم‌افزار داشته باشد.

انتخاب بهترین نرم‌افزارهای پردازش اطلاعات یکی از مهم‌ترین دستاوردهایی است که با آموزش ارتباط تنگاتنگ دارد. هرچه کاربرد رایانه در امر یادگیری در کلاس و خانه رایج‌تر می‌شود، انتخاب نرم‌افزار اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. با افزایش میزان تأثیر فناوری بر ابعاد مختلف زندگی انسان، تولید ابزارهای نوین آموزشی و استفاده از آن‌ها نیز توسعه یافته است. واضح است که یکی از حوزه‌هایی که به شکل قابل توجهی تحت تأثیر نفوذ فناوری قرار گرفته، حوزهٔ آموزش زبان است. علاوه بر این، یادگیری زبان خارجی/ دوم از طریق تکنولوژی از اهمیت بسیاری برخوردار است. بنابراین، باید شرایطی را فراهم نمود تا آموزش زبان به این روش تسهیل شود (زری، منصوری، ۱۳۹۷: ۱۸۹). در این میان، کاربست نقوش هندسی در نرم‌افزارهای به لحاظ ارزش زیبایی‌شناختی و ایجاد تمرکز در افزایش کیفی نرم‌افزارهای آموزشی نقش مهمی دارد.

سه نقش دایره، مثلث و مربع پایه اصلی نقوش هندسی در هنر اسلامی‌اند. اهمیت این سه شکل در ترکیب‌بندی‌های متعدد در آثار گوناگون هنر اسلامی در تداعی زیبایی این هنر تجریدی قابل ملاحظه است. اهمیت کاربرد نقوش در زیباشناسی آثار اسلامی در معانی نهفته و عمیقی است که بیانگر روح حاکم بر آثار هنری است. رمزی بودن نقوش یکی از خاصیت‌هایی است که قدرت تأویل اثر هنری را در هنر اسلامی افزایش می‌دهد. دایره نمایانگر حجم‌های کروی و حرکات اجرام آسمانی است. مثلث ساده‌ترین شکل است و بیانگر سه عالم، از مهم‌ترین اشکال است و بیانگر استحکام، استقرار و کمال می‌باشد. توجه مسلمانان به هندسه نقوش در ساختارهای منظم هنری برگرفته از خلقت خداوند و نظم موجود در طبیعت است که در نگرشی مثبت به آفرینندگی و تعالی روح شکل می‌گیرد. سه شکل اصلی دایره، مثلث و مربع در دوره‌های متعدد اسلامی در هنرهای گوناگون با حفظ رمزگونه‌گی و معنای عمیق نهفته در خود در آثار هنرمندان، علاوه بر زیبایی ظاهری بازتابی از معنای فرهنگ هنرمند مسلمان باشد. ماهیت نقوش هندسی بر نظم و تعادلی است که در چارچوب کار نظامند توان هنرمند را در بیان تجرد و مفاهیم ذهنی او افزون می‌نماید (قراگزلو، حاتم، ۱۳۹۳: ۴۵). با این تفاسیر، ویژگی نقوش هندسی در معناگرایی و انتقال بهتر اطلاعات می‌تواند میزان یادگیری از طریق نرم‌افزارهای آموزشی را افزایش دهد.

## نتیجه‌گیری

پیشرفت تکنولوژی و فناوری و البته دانش، یادگیری، آموزش و تعلیم و تربیت و همچنین حوزه یادگیری زبان خارجی را با افق‌ها و چالش‌های جدیدی مواجه ساخته است. با توجه به اینکه اهداف یادگیری زبان خارجی، توانمندی در درک مطلب، گفتار، شنیدار و نگارش است، نقش معلم و زبان‌آموز در راستای نائل شدن آن‌ها و در چارچوب نظریه ارتباط‌گرایی بسیار حائز اهمیت است. استاد زبان نقش ناظر داشته و می‌تواند با ارائه نکات ظریف‌ها آن‌ها را هدایت کند و به فعالیت‌های خلاقانه سوق دهد و یا در صورت مشاهده مسیر اشتباه آن‌ها را در مسیر درست قرار دهد. فعالیت‌های فراگیران می‌تواند توسط سایر فراگیران هدایت و راهنمایی شود و تحت تأثیر قرار گیرد. زبان‌آموزان نیز می‌توانند نوشته‌های یکدیگر را بخوانند و نظرات سایر استادان و هم‌کلاسی‌های خود را دریافت دارند. این امر دیده شدن و مورد تشویق قرار گرفتن بر ایجاد انگیزه و دقت نظر و پرداختن جامع به موضوع مورد بحث و تحقیق تأثیر مثبت داشته و این همان یادگیری مورد نظر نظریه ارتباط‌گرایی را پوشش می‌دهد.

نظریه ارتباط‌گرایی یک نظریه نوپاست و هنوز مسیر طولانی در پیش دارد تا به تکامل برسد و بدیهی است که به‌کارگیری اصول و قواعد چنین نظریه‌ای نیازمند پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی دقیق‌تری است. با این حال این نظریه مجموعه مباحثی برای توصیف یادگیری در عصر دیجیتال فراهم ساخته و می‌تواند چراغ راه معلمان و دانش‌آموزان و زبان‌آموزان به‌طور کل سیستم آموزشی باشد. در چنین فضایی لازم است برای نظریه‌پردازی‌ها و الگوسازی‌هایی که در این زمینه انجام می‌شود ارزش قائل شد و ارتباط‌گرایی یکی از این نظریه‌هاست که با وجود عمر کوتاه مورد توجه فراوان قرار گرفته است. با توجه به تأکید بر اینکه ارتباط‌گرایی نقش مهمی در ظهور و توسعه در عرصه‌های آموزش و تعلیم و تربیت ایفا خواهد کرد، شناخت بیشتر و تلاش برای استفاده و انطباق اصول این نظریه در سیستم آموزش زبان خارجی از امور بااهمیت شمرده می‌شود. امید است این مقاله کوتاه کلیدی برای ظهور و شکوفایی ایده‌های جدیدتر جهت برگزاری کلاس آموزش زبان خارجی به شیوه کاملاً جدید و به‌روزرسانی شده، باشد.

## فهرست منابع و مآخذ:

## کتاب‌ها

زیمنس، جورج. (۲۰۱۳). کتاب دانش و یادگیری. مترجم: حسین اسکندری، نشر تهران: آوای نور.

## مقالات

اسکندری، حسین. (۱۳۸۸). «نقد معرفت‌شناسی نظریه ارتباط‌گرایی (دانش ارتباطی و دانش توزیع شده) براساس معرفت‌شناسی اسلامی». تهران: کنفرانس بین‌المللی یادگیری الکترونیک دانشگاه علم و صنعت.

اسکندری، حسین؛ فردانش، هاشم و سجادی، سید مهدی. (۱۳۸۹). «نظریه ارتباط‌گرایی: در رقابت یا همسویی با دیگر نظریه‌های یادگیری». روان‌شناسی تربیتی، شماره ۱۵، ۶۴-۳۳.

رضایی، عیسی؛ نثری، شبنم و آرمنده، علی. (۱۳۹۰). «نظریه یادگیری ارتباط‌گرایی و کاربرد آن در طراحی کتاب‌درسی دانشگاهی». فصلنامه عیار، شماره ۲۴، ۹۴-۸۱.

خندان‌دل، بهروز. (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر جلوه‌های ویژه فیلم‌های آموزشی بر میزان یادگیری» دانش و تندرستی، شماره ۱۰، ۲۹-۲۴.

سعیدی، زری؛ منصور، طلیمه. (۱۳۹۷). «کارایی فناوری و نرم‌افزارهای آموزشی در یادگیری واژگان زبان خارجی». علم زبان، دوره ۵، شماره ۸، ۲۱۷-۱۸۹.

ضرغام حاجبی، مجید؛ اسد، معصومه. (۱۳۹۵). «بررسی نظریه ارتباط‌گرایی و تأثیر آن بر یادگیری». دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی ایران.

علبدی کرجی‌بان، زهره. (۱۳۹۰). «تحول در شیوه‌های آموزش و یادگیری مبتنی بر وب». ماهنامه تکنولوژی آموزشی، شماره ۷، دوره ۲۶، ۴۰-۱۸.

فرزان‌پور، آزاده؛ موسی‌پور، نعمت‌الله و طیب‌طاهر، عبدالامیر. (۱۳۹۳). «معرفی نظریه ارتباط‌گرایی و ارائه الگوی طراحی آموزشی متناسب با آن». کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

قراگوزلو، بهاره؛ حاتم، غلامعلی. (۱۳۹۳). «بررسی رموز نقوش هندسی دایره، مثلث و مربع در هنر اسلامی». نقش‌مایه، دوره ۸، شماره ۲۱، ۵۰-۴۵.

## منابع لاتین

Palinscar, A. S. (۱۹۹۸). Social constructivist in teaching and learning. Annual Review of psychology, Vol. ۹۴, ۳۳۱-۳۴۵.

Piaget, J. (۱۹۸۵). The Equilibration of cognitive structures. The central problem of Intellectual development, pp ۳۶-۶۴. .... Oxford Clarendon.

Watson, J. (۲۰۱۷). Behaviorism. United Kingdom, Taylor & Francis.